



الگوی وحدت‌آفرین سیاست کیفری پیامبر ﷺ: عفو، مصالحه و کیفرزدایی در تحکیم صلح اجتماعی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

سیدمحسن آزیز^۱ محمدخانی^۲

چکیده

سیاست کیفری در سیره پیامبر اکرم ﷺ تنها مجموعه‌ای از احکام جزایی نیست؛ بلکه نظامی چندبعدی است که بر پیوند عدالت، رحمت، پیشگیری و حفظ انسجام اجتماعی تأکید می‌کند. این سیاست، برخلاف رویکردهای مجازات‌محور معاصر، به‌صورت تلفیقی از کیفرزدایی، مصالحه اجتماعی و عدالت‌ترمیمی عمل می‌کند و هدف نهایی آن ایجاد جامعه‌ای منسجم، عاری از خشونت و مبتنی بر اعتماد متقابل است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و بر اساس منابع معتبر تاریخی، فقهی و روایی، الگوی وحدت‌آفرین سیاست کیفری نبوی را استخراج و نقش آن در تحکیم صلح اجتماعی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست کیفری پیامبر ﷺ در وقایع مهمی مانند فتح مکه، قضیه افک، صلح حدیبیه، ماجرای بنی‌نضیر و پرونده‌های قتل قبیله‌ای، نه‌تنها در قالب مجازات، بلکه با ابزارهای گفت‌وگویی، اصلاحی و اجتماعی مدیریت شده و همین امر موجب کاهش تنش‌ها، جلوگیری از انتقام‌جویی و تحکیم همبستگی اجتماعی شده است. این الگو می‌تواند در بازسازی سیاست جنایی کشورهای اسلامی معاصر الهام‌بخش باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست کیفری نبوی، کیفرزدایی، مصالحه کیفری، عدالت‌ترمیمی، وحدت اجتماعی، سیره پیامبر ﷺ.

Sm.aziz@hsu.ac.ir

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری سبزوار ایران:

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول):

mohammad.khani@iau.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مشکلات اساسی در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورهای اسلامی، تمرکز صرف بر مجازات و اجرای سختگیرانه قوانین کیفری است که اغلب بدون توجه کافی به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه انجام می‌شود. این رویکرد باعث شده فرصت‌های اصلاحی، مصالحه و عفو که در آموزه‌های اسلامی تأکید شده‌اند، بمانند و در نتیجه، شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر، روحیه انتقام‌جویی تشدید و وحدت و انسجام اجتماعی تضعیف شود. سیره پیامبر اکرم ﷺ نمونه‌های فراوانی از سیاست‌های کیفری مبتنی بر عفو، مصالحه و رفع حرج ارائه داده که هدف نهایی آن‌ها تحکیم صلح و تقویت وحدت اجتماعی بوده است. با این حال، ظرفیت‌های بزرگی در فقه و سنت نبوی برای ایجاد نظام کیفری کارآمدتر، انسانی‌تر و وحدت‌آفرین وجود دارد که در سیاست‌های معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند الگویی وحدت‌آفرین و مبتنی بر آموزه‌های پیامبر اکرم ﷺ را در سیاست کیفری بازشناسی و تبیین کند که می‌تواند پاسخ مناسبی برای چالش‌های کنونی جوامع اسلامی مانند افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و بحران مشروعیت در نظام‌های کیفری باشد. استفاده از این الگو می‌تواند ضمن تأمین عدالت کیفری، به حفظ صلح و تقویت انسجام اجتماعی کمک کند و راهکارهایی انسانی‌تر و سازنده‌تر برای حل مسائل کیفری ارائه دهد.

۱-۱. مبانی نظری

سیاست کیفری در فقه اسلامی به مجموعه تدابیر شرعی و اجتماعی اطلاق می‌شود که با هدف پیشگیری از جرم، اصلاح بزهکار و تحقق مصالح عامه، از سوی شارع یا حاکم اسلامی طراحی می‌گردد. برخلاف مکاتب جزایی مدرن که عمدتاً بر واکنش به جرم تمرکز دارند، سیاست کیفری اسلامی رویکردی ایجابی و اجتماعی دارد و توجه ویژه‌ای به ابعاد پیش‌گیرانه، اصلاح‌گرایانه و ترمیمی جرم معطوف می‌کند. هدف نهایی این سیاست، تأمین عدالت، حفظ نظم عمومی و حمایت از کرامت انسانی است؛ چنان که قرآن کریم در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)، اقامه قسط را به عنوان فلسفه بعثت پیامبران

(سیدمحسن آریز، محمدخانی)

معرفی می‌کند. سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ در بستر تعالیم و حیانی و سنت نبوی استوار است. قرآن کریم اصولی مانند مدارا، عفو و پرهیز از خشونت افراطی را تأکید می‌کند: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری، ۴۰). این آیه نشان می‌دهد که عفو، در کنار اصلاح، ارزشی ترمیمی دارد و هدف صرفاً اجرای مجازات نیست، بلکه اصلاح رابطه میان بزه‌دیده و بزه‌کار نیز اهمیت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۱۵). در سیره پیامبر ﷺ، اجرای حدود تنها در صورت نبود شبهه و با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی انجام می‌شد. حدیث «ادرعوا الحدود بالشبهات» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۲۵) بیانگر همین اصل است. در ماجرای فتح مکه، پیامبر ﷺ از مجازات بسیاری از دشمنان چشم‌پوشی کرد و آن‌ها را مشمول عفو عمومی قرار داد؛ ابن هشام این اقدام را نقطه عطفی در ایجاد وحدت اجتماعی امت دانسته است (ابن هشام، ۱۴۲۰، ج ۴: ۲۸).

فقه اسلامی قواعد عقلایی متعددی برای تقنین و اجرای مجازات‌ها پیش‌بینی کرده است که در کنترل کیفر و رعایت مصالح عمومی نقش مهمی دارند. قاعده «درء الحدود بالشبهات» مقرر می‌دارد در صورت وجود شبهه در تحقق جرم یا شرایط اجرای حد، مجازات ساقط می‌شود. این قاعده مستند به سنت نبوی است و در منابع معتبر فقهی آمده است (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۷۷). قاعده «رفع الحرج» بر نفی سختی و مشقت در احکام دینی تأکید دارد: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸) و در سیاست کیفری از تشدید بی‌دلیل مجازات‌ها به‌ویژه با جایگزینی تعزیرات سبک جلوگیری می‌کند. قاعده «مصلحت» یا «جلب المصلحة و دفع المفسدة» در تصمیم‌گیری‌های کیفری جایگاه مهمی دارد، به‌ویژه در مواقعی که اجرای مجازات ممکن است پیامدهای اجتماعی نامطلوبی به دنبال داشته باشد. پیامبر ﷺ در مواردی که اجرای حدود می‌توانست منجر به فتنه قبیله‌ای شود، از آن صرف نظر و تعزیر را جایگزین کرد (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۱۲). در نهایت، قاعده «تزامم» زمانی به کار می‌رود که اجرای هم‌زمان دو حکم ممکن نباشد و ترجیح یکی بر اساس مصالح اجتماعی صورت گیرد. این قاعده در فقه کیفری، راه‌حلی عقلانی برای تعارض میان اجرای حد و حفظ وحدت امت ارائه می‌دهد (مظاهری، ۱۳۸۸: ۵۴).

۲-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه سیاست کیفری اسلامی، به‌ویژه سیاست کیفری نبوی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که هر یک به برخی ابعاد این موضوع پرداخته‌اند؛ با این حال، بررسی تلفیقی و جامع از الگوی وحدت‌آفرین سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ و تأثیر آن در تحکیم صلح اجتماعی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش‌هایی مانند (لنکرانی، ۱۳۸۳) بر تحلیل فقهی سیاست کیفری اسلامی متمرکز بوده و بر جنبه‌های پیشگیرانه و اصلاحی آن تأکید داشته‌اند. همچنین (طباطبایی، ۱۳۷۸) نیز قواعد فقهی مانند «درء الحدود» و «رفع الحرج» را در زمینه کیفرزدایی بررسی و نقش آن‌ها در تعدیل و انسانی‌سازی سیاست کیفری را تبیین کرده‌اند.

مورخان و سیره‌نگاران همچون ابن هشام (۱۴۲۰ق، ج ۴: ۲۸)، با تمرکز بر رویدادهای تاریخی مانند فتح مکه، به تأثیر عفو عمومی در تقویت وحدت اجتماعی و مشروعیت سیاسی پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. همچنین سیوطی و مظاهری قواعد «مصلحت» و «تراحم» را در چارچوب سیاست کیفری اسلامی تحلیل کرده‌اند و اهمیت آن‌ها را در حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از تفرقه نشان داده‌اند (سیوطی ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۷۴؛ مظاهری ۱۳۸۸: ۶۱). با وجود این مطالعات، خلأ پژوهشی در بررسی جامع این مباحث با تمرکز بر نقش سیاست کیفری نبوی در ایجاد وحدت و صلح اجتماعی همچنان مشهود است. این پژوهش در تلاش است با نگاهی تلفیقی و تحلیلی، الگویی کاربردی و وحدت‌آفرین از سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ استخراج کند و دلالت‌های آن را برای سیاست‌گذاری کیفری معاصر ارائه دهد. مطالعه سیاست کیفری در سیره پیامبر اکرم ﷺ در پژوهش‌های معاصر، بیشتر از منظر فقهی یا تاریخی صورت گرفته و کمتر به ابعاد مفهومی، اجتماعی و کاربردی آن در سیاست‌گذاری جنایی پرداخته شده است. در پژوهش‌های داخلی، آثاری مانند «مقدمه‌ای بر فقه اسلامی» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۵۲) و «مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲: ۴۷) به ابعاد فقهی و اصول سیاست جنایی اسلامی پرداخته‌اند، اما کمتر به راهبردهای وحدت‌آفرین و مؤلفه‌های عدالت

(سیدمحسن آریز، محمدخانی)

ترمیمی در سیره نبوی توجه کرده‌اند. برخی مطالعات نیز صرفاً بر جنبه‌های تاریخی اجرای حدود در عصر پیامبر تمرکز دارند، بدون اینکه تحلیل سیاست‌گذارانه‌ای از آن ارائه دهند. در پژوهش‌های خارجی، آثار متأخر در حوزه «عدالت ترمیمی در سنت اسلامی» از جمله تحقیقات جان بورن و محمد فاضل با تأکید بر قابلیت‌های تطبیقی عدالت ترمیمی در فقه اسلامی، گام‌هایی در جهت تحلیل هم‌راستای آموزه‌های نبوی و نظریات مدرن برداشته‌اند. با این حال، این مطالعات نیز بیشتر به مقایسه مفاهیم پرداخته و کمتر بر تبیین ساختارمند سیاست کیفری نبوی متمرکز بوده‌اند. خلأ اصلی این پیشینه‌ها، نبود تحلیل یکپارچه از مؤلفه‌های سیاست کیفری نبوی به‌مثابه الگوی وحدت‌آفرین اجتماعی و فرهنگی برای جوامع اسلامی معاصر است. همچنین نسبت میان آموزه‌های کیفری نبوی و چالش‌های موجود نظام‌های جنایی اسلامی، به‌طور انتقادی بررسی نشده است.

۱-۳. نوآوری پژوهش

از نوآوری‌های این پژوهش، تلفیق سه رکن اساسی سیاست کیفری نبوی یعنی «کیفرزدایی»، «وحدت‌آفرینی» و «عدالت ترمیمی» در قالب الگویی یکپارچه است. این الگو نه تنها تحلیل صرفاً فقهی یا تاریخی نیست، بلکه راهبردی کاربردی برای اصلاح سیاست‌های کیفری در نظام‌های حقوقی معاصر محسوب می‌شود. ترکیب این سه رکن نشان می‌دهد که سیاست کیفری پیامبر، به جای تأکید صرف بر مجازات، به پیشگیری، ترمیم روابط اجتماعی و حفظ انسجام جمعی توجه ویژه دارد؛ نکته‌ای که می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران و مجریان عدالت کیفری در عصر حاضر باشد.

۱-۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای (فقه، حقوق کیفری، جامعه‌شناسی سیاسی) تعریف می‌شود و به روش توصیفی تحلیلی به واکاوی مفاهیم کلیدی چون عفو، مصالحه، کیفرزدایی و عدالت ترمیمی در سیاست جنایی نبوی می‌پردازد. هدف این روش، شناخت عمیق مفاهیم از دل متون اولیه و فهم بسترهای اجتماعی تاریخی شکل‌گیری آن‌هاست (مطهری، ۱۳۸۰: ۹۱).

برای گردآوری داده‌ها، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. منابع اصلی شامل قرآن کریم، احادیث معتبر پیامبر ﷺ و متون فقهی مانند «الکافی»، «المغنی» و متون تاریخی همچون «تاریخ طبری»، «سیره ابن هشام» و «المغازی» بوده است. همچنین از تفاسیر معتبر مانند «المیزان» و «مجمع البیان» و پژوهش‌های معاصر در زمینه عدالت ترمیمی، حقوق تطبیقی و جامعه‌شناسی دینی بهره گرفته شده است. داده‌های گردآوری شده از منابع اولیه به روش تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. در این روش، مفاهیم و مضامین کلیدی مانند «پیشگیری مقدم بر مجازات»، «زه‌پوشی»، «عفو عمومی»، «درء الحدود»، «میانجی‌گری کیفری» و «جایگزینی دیه به جای قصاص» دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. تحلیل مفهومی نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی در این تحقیق به کار گرفته شده است تا فلسفه سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ روشن شود. به‌عنوان مثال، بررسی موردی ماجرای جوانی که قصد ارتکاب گناه داشت و پیامبر ﷺ به جای مجازات، با گفت‌وگویی اخلاقی او را از تصمیمش منصرف کرد، گواهی بر رویکرد اصلاح‌گرایانه و تربیتی سیاست کیفری نبوی است. تحلیل تطبیقی نیز به کار گرفته شده است تا بتوان میان سیاست کیفری نبوی و وضعیت معاصر در کشورهای اسلامی مانند مالزی و اندونزی مقایسه‌ای انجام داد و ظرفیت‌های بومی‌سازی الگوی نبوی در این نظام‌ها بررسی شود. همچنین، نقاط ضعف رویکردهای سختگیرانه فعلی که اغلب فاقد انعطاف، مصالحه و عدالت ترمیمی‌اند مورد نقد قرار گرفته‌اند. در راستای افزایش اعتبار پژوهش، تنها از احادیث و منابع مورد قبول اکثریت فقها و علمای فریقین استفاده شده است. همچنین، ارجاع‌های روایی با منابع متعدد تطبیق داده شده‌اند تا دقت تحلیل‌ها افزایش یابد. در تحلیل‌های تطبیقی نیز تنها به داده‌های رسمی، گزارش‌های حقوقی و تحقیقات علمی دآوری شده استناد شده است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به دشواری در دسترسی به برخی منابع تاریخی خطی و قدیمی اشاره کرد. همچنین تفاوت روایت‌ها در منابع شیعی و سنی، کار تحلیل را در برخی موارد دشوار ساخته است. محدودیت دیگر، وابسته بودن برخی از سیاست‌های جنایی معاصر به بافت فرهنگی و اجتماعی خاص کشورهاست که مانع از تعمیم مستقیم سیاست نبوی به آن جوامع می‌شود.

۲. پیشگیری مقدم بر مجازات؛ رکن اساسی سیاست کیفری نبوی

مطالعات نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ پیشگیری از جرم را نه صرفاً از طریق تهدید به مجازات، بلکه با ایجاد نظام‌های تربیتی و فرهنگی مدنظر داشتند. امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ارزش‌های اخلاقی در جامعه به‌عنوان بسترهای اصلی پیشگیری مورد توجه ویژه بودند (طبرسی، ۱۹۸۸، ج ۱۰: ۷۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۶). نمونه بارز این رویکرد، برخورد پیامبر ﷺ با جوانی است که درخواست مجوز زنا داشت؛ به جای مجازات، پیامبر با گفت‌وگو و اصلاح فکری، او را از ارتکاب جرم بازداشت (طبرسی، ۱۹۸۸، ج ۱۰: ۸۱). این مثال نشان می‌دهد که سیاست کیفری نبوی، اولویت را به اصلاح درونی فرد و بهبود محیط اجتماعی داده است. چنین رویکردی برخلاف سیستم‌های کیفری صرفاً مجازات‌محور، موجب کاهش جرایم و کاهش تنش‌های اجتماعی شده است. با این حال، باید توجه داشت که تکیه بیش از حد بر پیشگیری فرهنگی و تربیتی در جوامع مدرن، بدون ساختارهای حمایتی مناسب ممکن است کارآمدی لازم را نداشته باشد.

۲-۱. کیفرزدایی هدفمند؛ به‌کارگیری عفو و تعزیر به‌جای حدود سختگیرانه

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، تأکید پیامبر بر درء حدود به‌واسطه شباهت و تلاش برای استفاده از تعزیرات و عفو به‌عنوان ابزارهای جایگزین است. حدیث مشهور «ادرعوا الحدود بالشبهات» نشان‌دهنده توجه پیامبر ﷺ به عقلانیت و عدالت همراه با رحمت است (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ۲۳۳، ج ۲۵۵۷). نمونه‌ای عینی از این سیاست، عفو عمومی پیامبر ﷺ در جریان فتح مکه است که با وجود قدرت مطلق، دشمنان سابق را بخشید و از انتقام‌جویی‌های قبیله‌ای جلوگیری کرد (ابن هشام، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۲۸). این اقدام پیامبر ﷺ علاوه بر جلوگیری از خونریزی، مشروعیت اخلاقی و سیاسی حکومت اسلامی را تقویت نمود. در مواردی که اجرای حدود می‌توانست باعث فتنه و نزاع شود، پیامبر ﷺ به تعزیرات جایگزین روی می‌آورد که متناسب با شرایط اجتماعی و شخصیت مجرم بود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۸، ج ۱۲: ۴۱۴). با وجود این، تکیه بر عفو و تعزیر در شرایطی ممکن است به سوءاستفاده و فقدان بازدارندگی منجر شود، به‌ویژه در جوامعی

که نهادهای قضایی ضعیف هستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۷۰)؛ بنابراین، انتقال این رویکرد به نظام‌های معاصر نیازمند چهار چوب‌های قانونی و نظارتی دقیق است.

۲-۲. مصالحه کیفری؛ جایگزین مناسبی برای برخورد قضایی مستقیم

یافته‌های پژوهش تأکید می‌کنند که پیامبر ﷺ در سیاست کیفری خود، رویکرد مصالحه و میانجی‌گری را به جای رویارویی و برخورد مستقیم ترجیح می‌دادند. درگیری‌های قبیله‌ای در جامعه صدر اسلام، زمینه‌ساز تنش‌های گسترده بود که پیامبر با صلح حدیبیه و میانجی‌گری میان اوس و خزرج به طور مؤثر از تشدید آن‌ها جلوگیری کرد (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۶۰۳؛ طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۰۰). این رویکرد، در عین حفظ عدالت، موجب کاهش خشونت و تقویت همبستگی اجتماعی شد. مصالحه کیفری به‌عنوان ابزاری کلیدی در الگوی نبوی، نه تنها در مهار نزاع‌ها مؤثر بود، بلکه زمینه‌ساز توسعه فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز و تأمین امنیت پایدار در جامعه شد. این یافته اهمیت بالایی در نظام‌های کیفری امروزی دارد که در مواجهه با جرایم خشونت‌آمیز و نزاع‌های اجتماعی، نیازمند راهکارهای جایگزین و انسان‌محور هستند (میلانی، ۱۳۹۸: ۶۶). با این حال، مصالحه در مواردی که حقوق عمومی به خطر می‌افتد، نمی‌تواند جایگزین کاملی برای برخورد قضایی باشد و ممکن است به نفع قدرت‌های اجتماعی غالب تمام شود؛ بنابراین باید با حفظ اصول عدالت و حقوق بزه‌دیده تلفیق شود.

۳-۲. عدالت ترمیمی؛ اولویت جبران خسارت و ترمیم روابط اجتماعی

یکی دیگر از ابعاد مهم سیاست کیفری پیامبر ﷺ، بهره‌گیری از عدالت ترمیمی بود. برخلاف سیستم‌هایی که صرفاً مجازات را هدف نهایی می‌دانند، پیامبر بر بازسازی روابط اجتماعی و ترمیم آسیب‌ها تأکید داشتند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۳۸۹). نمونه بارز این رویکرد در قضایای قتل دیده می‌شود؛ جایگزینی دیه به جای قصاص، راهکاری بود که از چرخه خونخواهی جلوگیری می‌کرد و باعث تقویت وحدت قبیله‌ای و اجتماعی می‌شد. تحلیل‌های تطبیقی نشان می‌دهد که عدالت ترمیمی اسلامی می‌تواند الگویی مؤثر برای نظام‌های کیفری معاصر باشد؛ چراکه ضمن تأمین حقوق بزه‌دیده، از بروز تنش‌های

جدید جلوگیری می‌کند و امکان بازتوانی اجتماعی بزهکار را فراهم می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۲). از سوی دیگر، اجرای عدالت ترمیمی در نظام‌های حقوقی مدرن نیازمند سازوکارهای دقیق و حمایت نهادهای مدنی قوی است تا از بروز تعارض منافع و اجرا نشدن عدالت جلوگیری شود.

۲-۴. سیاست کیفری نبوی و تحکیم وحدت اجتماعی

بررسی آثار سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد که این سیاست، فراتر از مقابله با جرم، نقش محوری در ایجاد و تحکیم وحدت اجتماعی داشته است. سیاست‌های مبتنی بر عفو، مدارا و مصالحه، موجب افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل و انسجام جمعی در جامعه متکثر صدر اسلام شد (ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۲۸). در سطح مشروعیت سیاسی، اجرای عدالت همراه با حکمت و مصلحت، باعث تقویت باور عمومی نسبت به مشروعیت حکومت اسلامی شد و زمینه جذب مخالفان سیاسی و گروه‌های اجتماعی مختلف را فراهم کرد (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق: ۲۳۳، ج ۲۵۵۷). در سطح تمدن نیز، امنیت قضایی و اجتماعی حاصل از این سیاست، امکان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مهیا ساخت.

با وجود این، نقدهایی نیز مطرح است مبنی بر اینکه تأکید بیش از حد بر مصالحه و عفو ممکن است در برخی شرایط منجر به نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیدگان و تضعیف عدالت شود؛ بنابراین، بایستی تعادل میان مصالحه و عدالت قضایی حفظ گردد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۶۲).

۲-۵. دلالت‌های الگوی نبوی برای سیاست جنایی معاصر

تحلیل داده‌ها حاکی است که سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ، الگوی ارزنده‌ای برای اصلاحات نظام‌های کیفری معاصر در کشورهای اسلامی است. نقد سیاست‌های کیفری فعلی که به خشونت بی‌رویه و تضعیف مشروعیت منجر شده، ضرورت بازخوانی این الگو را برجسته می‌کند. امکان‌سنجی تطبیق این الگو با نظام‌های حقوقی معاصر، با توجه

به نمونه‌هایی مانند مالزی و اندونزی که به سمت استفاده از نهادهای جایگزین مجازات گام برداشته‌اند، مثبت ارزیابی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۱۱۴). اصول فقهی نظیر «درء الحدود بالشبهات»، «رفع حرج» و «جلب مصلحت»، قابلیت استفاده در اصلاح قوانین کیفری را دارند. همچنین، کاربرد عملی این الگو در مقابله با افراط‌گرایی مذهبی، تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش خشونت‌های کیفری، نشان‌دهنده اهمیت آن برای حل چالش‌های معاصر است. به کارگیری راهبردهای مصالحه، عفو و عدالت ترمیمی، می‌تواند از بازتولید چرخه خشونت جلوگیری کند و زمینه بازتوانی اجتماعی بزهکاران را فراهم سازد (میلانی، ۱۳۹۲: ۷۰). با این حال، چالش‌هایی همچون تفاوت فرهنگی، پیچیدگی‌های حقوقی و ضرورت وجود نهادهای مستقل قضایی، اجرای کامل این الگو را در جوامع معاصر محدود می‌سازد که نیازمند تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر است. بررسی سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد که این سیاست فراتر از یک نظام قضایی صرف، به مثابه چارچوبی جامع و هدفمند برای تحقق عدالت اجتماعی، صلح و انسجام امت اسلامی طراحی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیامبر ﷺ با بهره‌گیری از اصول فقهی بنیادینی همچون «درء الحدود بالشبهات» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ۲۳۳، ح ۲۵۵۷)، «رفع حرج» (مطهری، ۱۳۸۰: ۹۱)، و «جلب مصلحت» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۱۱۴) توانست سیاست کیفری را به خدمت حفظ وحدت و آرامش اجتماعی درآورد. مفاهیمی چون «بزه‌پوشی»، «عفو عمومی» و «عدالت ترمیمی» در کنار تأکید بر پیشگیری اجتماعی، نشان می‌دهد که مجازات در این چارچوب، آخرین راهکار اصلاحی محسوب می‌شده است.

۳. نمونه‌های تاریخی الگوی سه‌گانه وحدت‌آفرین در سیاست کیفری نبوی

سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ در عمل نه مجموعه‌ای از تصمیمات جزیره‌ای، بلکه یک نظام منسجم و چندوجهی بوده است که سه رکن کلیدی کیفرزایی، مصالحه و عدالت ترمیمی را در بسیاری از رویدادهای مهم صدر اسلام به‌طور هم‌زمان به کار گرفته است. برای تقویت بخش «نوآوری پژوهش» در این قسمت، مهم‌ترین وقایع تاریخی با تحلیل

عمیق و استنادهای گسترده ارائه می‌شود.

۳-۱. فتح مکه؛ جامع‌ترین نمونه الگوی تلفیقی

در سال هشتم هجری، پس از آنکه قبیله بنی بکر (متحد قریش) به حمایت قریش، به خزاعه، متحد پیامبر حمله کرد، پیمان صلح حدیبیه عملاً نقض شد. قریش برای جلوگیری از درگیری، ابوسفیان را به مدینه فرستاد تا پیمان را ترمیم کند؛ اما پیامبر ﷺ در خواست وی را نپذیرفت (ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۲۶-۲۸؛ طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۰). پیامبر با سپاهی حدود ۱۰ هزار نفر به سمت مکه حرکت کرد. شهر بدون مقاومت جدی فتح شد. مشرکان که سال‌ها مسلمانان را شکنجه، اموالشان را غارت کرده و جنگ‌های متعدد علیه آنان به راه انداخته بودند، در مسجد الحرام گرد آمده بودند و تصور می‌کردند انتقام سختی در انتظارشان است. در چنین شرایطی پیامبر ﷺ فرمود: «اذهبوا فَأَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ»؛ بروید که همگی آزادید (ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۲۸؛ طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۲؛ بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۲). عفو پیامبر شامل افرادی شد که جرایم بسیار سنگینی داشتند؛ کسانی مثل ابوسفیان رهبر جنگ‌های احزاب و احد، هند بنت عتبه قاتل حمزه و مثله‌کننده پیکر او، وحشی قاتل حمزه، صفوان بن امیه از دشمنان قسم‌خورده اسلام. حتی هند و صفوان که قصد فرار داشتند، پس از امان‌نامه پیامبر، بازگشتند و اسلام آوردند (ابن سعد، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۱۳۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۲۵).

تحلیل کیفری اجتماعی: پیامبر ﷺ مجازات جمعی، مصادره، سلب حق حیات و بازداشت گسترده اعمال نکرد. از منظر فقهی این تصمیم کیفرزادی در سطح محاربه محسوب می‌شود. پیامبر با ایجاد امنیت روانی، جنگ داخلی را خنثی کرد. این الگو، امروز در ادبیات «عدالت انتقالی» برابر با عفو ملی شناخته می‌شود. فتح مکه شاخص‌ترین واقعه‌ای است که در آن پیامبر اکرم ﷺ هر سه رکن سیاست کیفری وحدت آفرین را به‌گونه‌ای هماهنگ اجرا کرد. کیفرزادی (عفو عمومی فراگیر و بی‌سابقه) پیامبر ﷺ در حالی وارد مکه شد که قریشیان ۲۰ سال اسلام را آزار داده بودند. انتظار عمومی این بود که حداقل رهبران قریش مجازات شوند؛ اما پیامبر ﷺ فرمود: «اذهبوا فَأَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ» (ابن

هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۲۸) ابوسفیان که سال‌ها رهبری جنگ علیه اسلام را برعهده داشت، مشمول عفو شد. هند، قاتل حمزه بخشیده شد. صفوان که قصد فرار داشت، امان یافت. این عفو گسترده کیفرزایی در بالاترین سطح قضایی است؛ زیرا جرم‌های آنان از نوع محاربه و از نظر قواعد فقهی قابل مجازات شدید بود. این اقدام بر اصل «جلب مصلحت اکبر» مبتنی بود (سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶: ۱۴۵). پیامبر ﷺ با این تصمیم از چرخه انتقام جلوگیری کرد (طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۲). این عفو، روان جامعه را به آرامش رساند و قبیله‌های تازه مسلمان را از خشونت بازداشت.

مصالحه اجتماعی سیاسی: پیامبر ﷺ نه تنها انتقام نگرفت، بلکه امان عمومی اعلام کرد: «مَنْ دَخَلَ دَارَ أَبِي سُفْيَانَ فَهُوَ آمِنٌ» (طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۳). با این کار، پیامبر ﷺ عملاً حکومت جدید را بر پایه امنیت همگانی بنا نهاد. هیچ یک از فقرا، ضعفا یا فراریان مورد تعقیب قرار نگرفتند. این سیاست در واقع نوعی آتش بس درون شهری بود. با این مصالحه، دشمنان دیروز به شهروندان امروز تبدیل شدند. پیامبر ﷺ ساختار اجتماعی مکه را بازتولید کرد، نه منهدم.

عدالت ترمیمی (بازسازی اعتماد و حذف تحقیر اجتماعی) پیامبر ﷺ مسلمانان را از تحقیر مردم مکه نهی کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۲۵). بسیاری از مسلمانان از ظلم‌های گذشته مکیان خشمگین بودند. پیامبر آنان را از یادآوری گذشته و انتقام عاطفی منع کرد. حتی افرادی مانند ابوسفیان مورد احترام قرار گرفتند تا تحقیر نشوند. این اقدام نمونه کامل عدالت ترمیمی است؛ زیرا تمرکز بر «اصلاح رابطه میان گروه‌ها» داشت. هدف، التیام زخم اجتماعی و ایجاد جامعه واحد بود. این نمونه دقیقاً همان الگوی امروز «عدالت انتقالی» دولت‌ها پس از جنگ است.

۳-۲. ماجرای بنی نضیر؛ مدیریت هوشمندانه امنیت اجتماعی

بنی نضیر، قبیله‌ای یهودی در مدینه، پس از پیمان همزیستی با پیامبر ﷺ در حادثه‌ای مشهور تلاش کردند هنگام نشستن پیامبر ﷺ کنار دیوار، سنگی را از بالای دیوار بر او بیندازند (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۴۴۷؛ ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۳: ۱۸۵). پس از افشای نقشه

(سیدمحسن آریز، محمدخانی)

ترور، پیامبر ﷺ از آنان خواست که مدینه را ترک کنند؛ اما آنان متحصن شدند و جنگی احتمالاً خونین در شرف وقوع بود. پیامبر ﷺ با محاصره‌ای محدود، اما بدون خونریزی عمده، آنان را مجبور به پذیرش توافق کرد: خروج از مدینه با تمام اموال منقول، عدم تعرض مسلمانان به آنان، ممنوعیت درگیری دوطرفه (طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۷۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۲۳۳).

تحلیل: پیامبر ﷺ به جای اعدام یا مصادره کامل، اخراج مسالمت‌آمیز را انتخاب کرد. این اقدام نمونه کامل کیفرزادی امنیتی است. از جنگ داخلی میان اوس و خزرج با یهود جلوگیری شد. پیامبر ﷺ احتمال نوعی انتقام دسته‌جمعی را حذف و وحدت شهر را حفظ کرد. بنی‌نضیر پس از نقض پیمان و تلاش برای ترور پیامبر ﷺ، مستحق مجازات شدید بودند. کیفرزادی (پرهیز از اعدام و مصادره کامل) پیامبر ﷺ دستور نداد آنان کشته یا اسیر شوند، بلکه فرمود مدینه را ترک کنند (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۴۴۷).

مصالحه: طبق توافق، آنان با اموال منقول خود رفتند. هیچ تنش‌ای میان اقوام مدینه و یهود ایجاد نشد. پیامبر از درگیری نظامی اجتناب کرد؛ زیرا مدینه هنوز ساختار نظامی قوی نداشت، درگیری می‌توانست فتنه داخلی میان اوس و خزرج ایجاد کند، قبایل یهودی دیگر ممکن بود به حمایت از آنان برخیزند.

عدالت ترمیمی: پیامبر مسلمانان را از تعرض به یهودیان در مسیر هجرت منع کرد. پیامبر بحران امنیتی را بدون خونریزی فیصله داد. این اقدام نوعی «اخراج هدفمند همراه با کنترل پیامدهای اجتماعی» بود. این روش مطابق با اصل امروزی «کاهش تنش‌های پساجرمی» در عدالت ترمیمی است.

۳-۳. قضیه افک؛ رویکرد چندلایه پیامبر ﷺ در بحران اخلاقی اجتماعی

در غزوه بنی‌مطلق، هنگام بازگشت، عایشه از کاروان عقب ماند و صفوان بن معطل او را یافت و به کاروان رساند. منافقان به سرکردگی عبدالله بن ابی این حادثه را دستمایه شایعه‌پراکنی قرار دادند. برخی از اوس و خزرج نیز به دلیل رقابت قبیله‌ای به این شایعات

دامن زدند (طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۲۱؛ ابن هشام، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۳۲۲). این شایعه چنان بالا گرفت که دو قبیله در آستانه جنگ قرار گرفتند. پیامبر ﷺ حدود یک ماه صبر کرد، هیچ مجازاتی را اعمال نکرد و به میانجی‌گری پرداخت تا حقیقت روشن شود. سرانجام آیات تبرئه نازل شد (نور، ۱۱-۲۶). پس از نزول آیات، پیامبر ﷺ فقط سه نفر (مسطح، حسان و حمنه) را حد زد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۴۷؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ح ۲۵۵۷).

پیامبر ﷺ از اجرای شتاب‌زده حد قذف خودداری کرد. پیامبر ﷺ با سخنرانی، نزاع اوس و خزرج را خاموش کرد. تنها سه فردی که نقش مستقیم داشتند مجازات شدند؛ نه همه شایعه‌پراکنان.

کیفرزایی: بزه‌پوشی و منع شتاب‌زدگی، پیامبر ﷺ تا نزول وحی و روشن شدن حقیقت، از اجرای هرگونه حد خودداری کرد (طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۲۱). این یک اقدام استراتژیک بود؛ زیرا نزاع اوس و خزرج بر سر اتهام شدت گرفته بود، اجرای حد سریع می‌توانست یک قبیله را خشمگین کند، پیامبر ﷺ باید از اتهام ناروای شرعی جلوگیری می‌کرد.

مصالحه قبیله‌ای: وقتی نزدیک بود نزاع مسلحانه آغاز شود، پیامبر ﷺ سخن گفت و هر دو قبیله آرام شدند (ابن هشام، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۳۲۲).

عدالت ترمیمی: پس از اثبات اتهام، تنها سه نفر مجازات شدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۴۷). مجازات حدی گسترده می‌توانست جامعه را دوباره کند. پیامبر ﷺ عدالت را به مورد قطعی محدود کرد تا کینه اجتماعی باقی نماند. این رویکرد کاملاً مطابق با الگوی امروزی عدالت بازسازی کننده است.

۳-۴. صلح حدیبیه؛ عالی‌ترین نمونه مصالحه کیفری

پیامبر ﷺ و حدود ۱۲۵۰ مسلمان در سال ششم هجری برای عمره به مکه رفتند. قریش راه را بست و جنگ حتمی بود. پس از مذاکرات طولانی، به‌رغم اعتراض اصحاب، پیامبر ﷺ معاهده را امضا کرد؛ معاهده‌ای که به ظاهر به نفع قریش بود (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۰۳؛ طبری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۰۰). شرایط سخت صلح‌نامه شامل عدم ورود مسلمانان به

(سيدمحسن آريز، محمدخاني)

مکه در آن سال، بازگرداندن مسلمانان فراری به مکه، پذیرفتن بازگشت آزادانه فراری‌ها از مکه به مدینه.

پیامبر عملاً جنگ را متوقف کرد. روابط خانوادگی و اقتصادی دوباره برقرار شد. دو سال بعد، تعداد مسلمانان چند برابر شد. با وجود آمادگی نظامی برخی اصحاب، پیامبر ﷺ از جنگ جلوگیری کرد. صلح‌نامه‌ای که شامل بندهای به ظاهر ناعادلانه بود، امضا شد (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۶۰۳). مسلمانان حق ورود به مکه را نداشتند. باید یک سال بعد برای عمره بازمی‌گشتند. بازگشت مسلمانان فراری به مکه پذیرفته شد. این شرایط برای بسیاری از اصحاب سخت بود؛ اما پیامبر مصلحت کلان را دید.

عدالت ترمیمی: در پی این صلح، روابط اقتصادی و خانوادگی دوباره برقرار شد، ارتباطات قبیله‌ای افزایش یافت، تنش کاهش یافت و بسیاری از قریشیان پیش از فتح مکه مسلمان شدند. این صلح نوعی «میانجی‌گری قضایی» در سطح بین‌المللی است.

۳-۵. قاتل حمزه؛ عدالت همراه با گذشت انسانی

در جنگ احد، وحشی به تحریک هند، حمزه، عموی پیامبر ﷺ را کشت. پس از فتح مکه، وحشی گریخت؛ اما در نهایت اسلام آورد. پیامبر ﷺ با وجود تألم شدید، او را بخشید (ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۳۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۲۷). پیامبر تنها خواست که او کمتر در برابر ایشان ظاهر شود تا خاطرۀ شهادت حمزه تجدید نشود. پیامبر ﷺ قصاص را ترک و همچنین از خشونت قبیله‌ای جلوگیری کرد. وحشی بعدها در جنگ یمامه مسیلمه را کشت و خدمت بزرگی کرد (عدالت ترمیمی).

کيفرزدايي: وحشی قاتل حمزه بود؛ اما پیامبر او را بخشید (ابن هشام، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۳۳۵). مصالحه اجتماعی: پیامبر خواست او کمتر در برابر چشمانش ظاهر شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۲۷). عدالت ترمیمی: وحشی در جامعه باقی ماند و بعدها خدمت بزرگی به اسلام کرد. این پرونده الگویی کامل از عدالت التیام‌بخش است که در آن بزهکار پذیرفته می‌شود، بزه‌دیده یا خانواده او به آرامش می‌رسد و جامعه از افراط و تفریط رها می‌شود.

۳-۶. قتل عبدالله بن سهل؛ نقطه عطف عدالت ترمیمی اسلامی

عبدالله بن سهل در منطقه خیبر کشته شد. برادرش، عبدالرحمن، یهودیان را متهم کرد. پیامبر خواستار بی‌نه شد و چون شاهی نبود و قسامه کامل نبود، فرمود یهودیان مسئول نیستند تا دلیل بیاوری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۸۹؛ ابن ماجه، ۱۴۰۱۸ق، ح ۲۵۵۷). برای جلوگیری از نزاع میان خزرج و یهود، پیامبر دیه را از بیت‌المال پرداخت. تحلیل: این اقدام، اجرای حد یا قصاص را متوقف کرد، نزاع قبیله‌ای را دفع کرد، با جبران خسارت، آرامش اجتماعی را تضمین کرد. کیفرزایی: شواهد کافی علیه یهودیان وجود نداشت؛ پیامبر ﷺ قصاص را اجرا نکرد. مصالحه: برای خاتمه خصومت، پیامبر ﷺ مسلمانان را به مصالحه تشویق کرد. عدالت ترمیمی: دیه از بیت‌المال پرداخت شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۸۹). این اقدام چند پیامد داشت: جلوگیری از انتقام قبیله‌ای، حمایت از خانواده مقتول، جلوگیری از جنگ اوس و خزرج با یهود.

۳-۷. مهار رفتارهای تند قبایل تازه‌مسلمان

برخی قبایل تازه‌مسلمان پس از اسلام آوردن خواهان اجرای مجازات‌های سنگین علیه دشمنان سابق بودند. پیامبر ﷺ فرمود: «الإسلامُ یجبُ ما قبله» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۵۵؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۸: ۱۶). این جمله منشأ پایان زنجیره انتقام، جلوگیری از خشونت قبیله‌ای، ایجاد وحدت میان قبایل متخاصم شد. کیفرزایی: پیامبر ﷺ فرمود: «الإسلام یجبُ ما قبله» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۵۵). مصالحه قومی: این حکم فرصت سازگاری فرهنگی به تازه‌مسلمانان داد. عدالت ترمیمی: قبایل جدید توانستند گذشته خشن خود را جبران کنند. این سیاست دقیقاً مطابق با اصول «بازاجتماعی‌سازی» در جرم‌شناسی امروز است.

۳-۸. تعزیرات ملایم؛ ابزار تربیتی پیامبر ﷺ

در موارد متعدد، پیامبر مجازات‌های شدید را به تعزیرات ملایم تبدیل کرد.

شارب خمر: وقتی مجرم را به سبب تکرار شرب خمر سرزنش کردند، پیامبر ﷺ فرمود:

(سیدمحسن آریز، محمدخانی)

به او دشنام ندهید؛ او خدا و پیامبرش را دوست دارد(حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸: ۴۲۷؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۱۴).

حبس کوتاه مدت: در ماجرای فردی که مرتکب تخلف مالی شده بود، پیامبر ﷺ فرمود: «احبسوه» و پس از چند روز آزاد کرد(ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰: ۳۲۱). پیامبر ﷺ از تحقیر و خشونت پرهیز کرد، با مهربانی، اعتماد بزهارا حفظ کرد، با بازاجتماعی سازی، زمینه بازگشت سالم او را فراهم کرد.

کیفرزدایی: در برخی جرایم، پیامبر تنها چند روز حبس اعمال می کرد(ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰: ۳۲۱). مصالحه اخلاقی: در پرونده شارب الخمر پیامبر مانع از لعن مجرم شد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸: ۴۲۷).

عدالت ترمیمی: حفظ کرامت انسانی مجرم و بازگرداندنش به جامعه هدف اصلی بود.

۴. نتیجه گیری

بر اساس تحلیل های انجام شده، سیاست کیفری نبوی با بهره گیری از راهبردهای «عفو» و «مصلحه» نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام حکومتی داشته است. این سیاست توانست از طریق ایجاد فضای مدارا و گذشت، تنش ها و خشونت های فرقه ای و قبیله ای را کاهش دهد و وحدت میان اقشار مختلف امت اسلامی را حفظ و تحکیم کند. علاوه بر این، سیاست کیفرزدایی هدفمند پیامبر ﷺ از جمله در موارد درء حدود به واسطه شبهات، سبب جلوگیری از تشدید نزاع ها و ایجاد فضای عدالت توأم با رحمت شد. این امر نشان می دهد که سیاست کیفری پیامبر ﷺ همزمان با حفظ عدالت، نگاهی انسانی و واقع بینانه به شرایط مجرم و جامعه داشته است. بنابراین از نتایج این پژوهش که از نوآوری های این پژوهش نیز محسوب می شود، تلفیق سه رکن اساسی سیاست کیفری نبوی یعنی «کیفرزدایی»، «وحدت آفرینی» و «عدالت ترمیمی» در قالب الگویی یکپارچه است. این الگو نه تنها تحلیل صرفاً فقهی یا تاریخی نیست، بلکه راهبردی کاربردی برای اصلاح سیاست های کیفری در نظام های حقوقی معاصر

محسوب می‌شود. ترکیب این سه رکن نشان می‌دهد که سیاست کیفری پیامبر ﷺ به جای تأکید صرف بر مجازات، به پیشگیری، ترمیم روابط اجتماعی و حفظ انسجام جمعی توجهی ویژه دارد؛ نکته‌ای که می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران و مجریان عدالت کیفری در عصر حاضر باشد. در نهایت سیاست کیفری پیامبر اکرم ﷺ سیاستی انسان‌محور، جامعه‌ساز و کاملاً پیشرو است. این سیاست، خشونت را کاهش می‌دهد، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند، روابط قبیله‌ای را بازسازی می‌کند، کرامت انسانی را محور عدالت می‌داند. الگوی سه‌گانه کیفرزایی، مصالحه، عدالت ترمیمی، نه تنها ریشه در منابع اسلامی دارد، بلکه با نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی جنایی، عدالت ترمیمی و پیشگیری وضعی کاملاً سازگار است. این الگو می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی برای اصلاح سیاست جنایی کشورهای اسلامی معاصر به کار گرفته شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن سعد، محمد. (۱۴۱۸ق). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دارصادر.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۰۵ق). *المغنی*. بیروت: دارالفکر.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). *جامع السنن*. چاپ دوم. قم: دار الجیل.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۴۲۰ق). *السیره النبویه*. بیروت: دارالمعرفه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۹۶م). *أنساب الأشراف*. بیروت: دارالفکر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۱). *فلسفه حقوق مدنی*. چاپ پنجم. تهران: ناشر گنج دانش.
- _____ (۱۴۰۲). *مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام*. تهران: نشر مجد.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۴ق). *الجامع الصغیر*. بیروت: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی. (۱۴۲۰ق). *اللمعة الدمشقیة*. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. چاپ چهارم. تهران: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابی‌علی‌الفضل بن الحسن. (۱۹۸۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۹). *تاریخ الرسل والملوک*. تهران: انتشارات الکترونیک.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). *فقه فتاوی*. چاپ یازدهم. قم: انتشارات امیر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). *مبانی حقوق عمومی*. تهران: نشر میزان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ سوم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۶۸). *مقدمه‌ای بر فقه اسلامی*. ترجمه محمد آصف فکرت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). *کلیات علوم اسلامی (فقه و اصول فقه)*. تهران: انتشارات صدرا.
- مظاهری، محمد. (۱۳۸۸). *الإنسان وعالم البرزخ*. تهران: ناشر دارالفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۹۸). *تفسیر نمونه*. چاپ بیست و پنجم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میلانی، علیرضا. (۱۳۹۸). *جایگاه عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران در دادرسی اطفال ونوجوانان*. تهران: انتشارات مجد.
- نسائی، احمد. (۱۴۱۱ق). *سنن النسائی*. بیروت: دارالفکر.
- واقفی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). *المغازی*. چاپ دوم. قاهره: دارالمعارف.

Bowen, John R. Islam, Law, and Equality in Indonesia: An Anthropology of Public Reasoning. Cambridge: Cambridge University Press, 2003.

Fadel, Mohammad. "The Punishment in Islamic Law: A Critique and Reformulation."
In Islamic Law and Society, Vol. 15, No. 1, pp. 60-32. Leiden: Brill,2008

The Unifying Model of the Prophet's (PBUH) Penal Policy: Amnesty, Reconciliation, and Decriminalization in Strengthening Social Peace

Seyyed Mohsen Aziz ¹ Mohammad Khani ²

Received: October 21 , 2025

Revised: November 16 , 2025

Accepted: November 17 , 2025

Abstract

Penal policy in the life of the Holy Prophet (PBUH) is not just a set of penal provisions; rather, it is a multidimensional system that emphasizes the connection of justice, mercy, prevention, and maintaining social cohesion. This policy, unlike contemporary punishment-oriented approaches, operates as a combination of decriminalization, social reconciliation, and restorative justice, and its ultimate goal is to create a cohesive society, free from violence, and based on mutual trust. The present study, using a descriptive-analytical method and based on reliable historical, jurisprudential, and narrative sources, extracts the unifying model of the Prophet's penal policy and examines its role in consolidating social peace. The findings show that the penal policy of the Prophet (PBUH) in important events such as the Conquest of Mecca, the Afak affair, the Hodaybiyah peace treaty, the Banu Nadir affair, and tribal murder cases was managed not only in the form of punishment, but also with dialogue, reform, and social tools, which reduced tensions, prevented revenge, and strengthened social solidarity. This model can be inspiring in the reconstruction of the criminal policy of contemporary Islamic countries.

Keywords: Prophetic penal policy, decriminalization, penal reconciliation, restorative justice, social unity, the Prophet's (PBUH) character.

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran: Sm.aziz@hsu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran (Corresponding Author):mohammad.khani@iau.ac.ir